این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

اگر هر جلسه یک تصمیم بگیریم، وضع فرق می‌کند

آیت‌الله محمدعلی جاودان:
ما به اینجا [هیئت] می‌آییم و حرف‌هایی را می‌شنویم که گاهی اوقاتمان تلخ می‌شود. بعد از سینه‌زنی و روضه با هم حرف می‌زنیم و می‌خندیم و زندگی عادی خود را انجام می‌دهیم و فردا هم آنچه را شنیدیم فراموش می‌کنیم. این می‌شود که ۵۰ سال جلسه می‌آییم و همان آدم اول هستیم! در حالی که اگر در هر جلسه یک تصمیم برای خودمان بگیریم، هر چند کوچک باشد، وضع فرق می‌کند.
ما باید با آن بزرگواران یک اتصالی داشته باشیم. این اتصال، محبت است. همین اتصال در آخر برای نجات ما کافی است. اما اگر بیشتر از این را می‌خواهیم باید تلاش کنیم. اگر همین محبت را بتوانیم اثبات کنیم، از آنها جدا نمی‌شویم و اصلاً نمی‌توانیم جدا بشویم.

منبع: کانال تلگرامی «bahjat313_ir»

کاه و کلش را به آتش نکشید

زهرا کشوری در توییتی نوشت: اهمیت زاگرس در امنیت آبی و غذایی کشور آنقدر زیاد است که جا دارد صدا و سیما برنامه ۲۴ ساعته بگذارد و از کشاورزان بخواهد کاه و کلش را آتش نزنند. چون هم زمین را فقیر می‌کند هم جنگل را به باد می‌دهد.
اسماعیل آذری‌نژاد نیز در همین خصوص توییت کرد: متأسفانه چندین ساله عادت بسیار بدی در بین کشاورزان به‌وجود آمده بعد از دروی گندم، زمین را آتش می‌زنند. و یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌ها به طبیعت این است که هزاران حشره و حیوان از قبیل عقرب، مار و... در آتش سوخته می‌شوند و گاهی دامنه این آتش به درختان و کوه‌ها می‌رسد. فرهنگ‌سازی هم نمی‌شود.

ردانگلیسی‌ها را از زبان فارسی هم پاک کنیم

حسین جاوید در کانال تلگرامی خود نوشت: صنعت نفت را انگلیسی‌ها در ایران شکل دادند و دهه‌ها مناطق جنوبی کشور متأثر از حضور آنها بود و وام‌واژه‌های زیادی همراه با کارکنان شرکت نفت از پالایشگاه‌ها خارج شد و در مسجدسلیمان و آبادان و سپس در سراسر ایران رواج یافت. حالا که نه از تاک نشان است و نه از تاک‌نشان، چه لزومی دارد در شرکت نفت برای جاافتاده‌ترین واژه‌ها هم از معادل‌های انگلیسی‌شان استفاده شود؟ فراموش نکنیم امثال ابراهیم گلستان، صادق چوبک و نجف دریابندری هم شرکت نفتی بودند و فارسی را سلیس و زیبا می‌نوشتند.

پزشکیان در رأی آوردن مدیون تشکل اصلاحات نیست

محمد طبیبیان در کانال تلگرامی خود نوشت: آقای مهندس نبوی از اصلاح‌طلب‌ها خواسته دست از سهم‌خواهی بردارند و به دنبال تضمین پست برای خودشان نباشند و آقای پزشکیان را تحت‌فشار قرار ندهند. سخن حق و منطق. پیشنهاد آقای مهندس نبوی در مورد این که اعضای کمیته‌های بررسی از مطالبه پست وزارت اجتناب و کناره گزینی کنند بسیار متین است. حقیقتاً آقای پزشکیان برای توفیق مدیون تشکل اصلاح‌طلبان نبوده است. این رأی مربوط به خود ایشان است و توسط کسانی به صندوق ریخته شده که نگران ایران و آینده نسل جوان آن هستند. شایسته است ایشان و همراهان صادق ایشان این هدف مهم را پیوسته سرمشق تصمیم‌های خود بدانند. آینده وطن و تلاش مداوم برای بهروزی مردم آن.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به سازوکار انتخاب کابینه دولت چهاردهم

شایسته‌سالاری را اصل قرار دهید

فرایند اعلام شده از سوی محمدجواد ظریف برای انتخاب کابینه دولت چهاردهم با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بوده است. کاربران در توییت‌ها و نوشته‌های بسیاری به نقد و بررسی این سازوکار پرداختند و از نقاط قوت و ضعف آن گفتند. کاربران برخی از ویژگی‌های این نوع از فرایند انتخاب کابینه را خلاف شایسته‌سالاری دانستند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

جماران

عبدالله گنجی:
روش فعلی که آقای ظریف در پیش گرفته و بر آن اصرار می‌ورزد، بیش از آنکه به وفاق و انسجام برای دولت جدید بینجامد، به شکاف و حاشیه‌سازی منجر خواهد شد. صلاح مملکت خویش البته خسروان دانند.

سیدعباس صالحی:
ادبیات قومی- مذهبی معطوف به دو نکته باشد از یکسو توسعه متوازن جغرافیایی و افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی اقوام و مذاهب و از سوی دیگر ارتقای همبستگی ملی و تعمیق هویت ایرانی. هرگونه افراط‌گرایی در یک حوزه، عواقب خطرناکی را برای ایران خواهد داشت.

محمد فاضلی:
من کاملاً مدافع سازوکار کمیته‌های انتخاب وزرا هستم و ابزار مناسبی در شرایط ضعف نهادی بوروکراسی و بی‌سامانی سیاسی می‌دانم، اما همزمان از حق رئیس‌جمهور برای بررسی مستقل گزینه‌های خروجی کمیته‌ها و سنجش آنها با معیارهای کارآمدی، انسجام کابینه و سلامت و رد یا قبول آنها دفاع می‌کنم.

جلیل محبی:
اولین نقد به آقای پزشکیان: اینکه در دوران انتخابات از کارشناسی بگویید و زمان چیدن کابینه با تبعیض مثبت به نفع برخی گروه‌ها افراد را امتیازدهی کنید، فارغ از اینکه تبعیض مثبت عقلایی یا شرعی است یا نه، خلف وعده است. اگر بنای شما بر انتصاب متخصص‌ترین‌هاست، تبعیض مثبت خلاف قاعده است.

مالک شریعتی:
مذهب رسمی کشور شیعه اثنی عشری است. ملاک انتخاب، شایستگی و صلاحیت است و اگر فردی از سایر مذاهب مصرح در قانون اساسی، شایستگی بیشتری داشت منصوب خواهد شد. همچون حکم رهبر انقلاب برای امیر شهرام ایرانی، فرمانده نداجا. لذا آنچه ظریف در ترجیح بی‌دلیل غیرشیعه گفت، خلاف قانون اساسی است.

حسام‌الدین براتی:
اگر سایر شرایط یکسان باشد اولویت چینش کابینه دولت چهاردهم اینطور خواهد بود: ۱- زن اهل سنت، ۲- مرد اهل سنت و ۳- مرد شیعه. این تصمیم چه مبنا و منطقی دارد؟ از کدام قسمت دین و شرع یا قانون اساسی چنین استنباطی کردید؟

میکائیل دیانی:
ظریف با این شاخص‌ها و امتیازدهی بر اساس قومیت، مذهب! جنسیت و... صرفاً مسیر کنار گذاشتن شایسته‌سالاری را هموار می‌کند! هر فرد را می‌توان بر اساس سواد، نگرش، شناخت از عرصه تخصصی، عملکرد در آن عرصه و... امتیازدهی کرد فارغ از همه آن شاخصه‌های قشری و به نتیجه رسید.

فاطمه داداشی:
به نظرم تبعیض جنسیتی مثبت لازمه ولی نه در انتخاب وزیر. کجا لازمه؟ در تمام مسیرهای پیشینی که یک فرد رو (اعم از زن یا مرد) شایسته و برازنده موقعیت وزارت میکنه. وزارت، موقعیت نهایی انتخاب فرد شایسته وزارته و برای اعمال تبعیض مثبت دیگه دیره!

حسام‌الدین آشنا:
رئیس‌جمهور اسلامی موظف نیست به هیچ فهرست پیشنهادی از هیچ شورا و کمیته‌ای ملتزم شود. او در برابر ملت، مجلس و رهبری مسئول است نه در برابر روال‌ها و ساختارهای شرکتی.

مجید شاکری:
کاش به جای انتخاب وزرا توسط کارگروه‌های جداگانه، یک کارگروه معاون اول را انتخاب می‌کرد و بعد کل وزرا را خود او انتخاب و به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کرد. عملاً روش فعلی امکان حداقل هماهنگی در ایده حکمرانی را هم سلب می‌کند.

کیانوش جهان‌پور:
رانت مثبت، چه رانت مثبت جنسیتی، چه رانت مثبت قومیتی و... نه تنها عدالت نیست بلکه ظلم مضاعف است و البته با هدف غایی یعنی کارآیی و کارآمدی و... هم منافات دارد. بگذارید دولتش را تشکیل دهد، لازم نیست همه طرح‌ها، پیشنهادها، ابتکارات، خلاقیت، آرزوها و... را در دو هفته خرج کنید!

هوش انسان تابع ژنتیک است یا شرایط محیطی؟

دکتر هادی صمدی، استاد فلسفه تکاملی، در کانال تلگرامی خود نوشت: از ساده‌ترین راه‌های سنجش نقش ژنتیک در بهره هوشی، مطالعه روی دوقلوهاست. در دوقلوهای همسانی که در شرایط محیطی متفاوتی بزرگ شده‌اند، هر چه اختلاف هوشی کمتر باشد گواهی است از اینکه نقش ژنتیک پررنگ‌تر از نقش محیط است (و برعکس).
در دوقلوهای ناهمسان (یا مجازی) که در یک خانواده بزرگ شوند هر چه اختلاف هوشی بیشتر باشد گواهی است از اینکه نقش ژن‌ها پررنگ‌تر از نقش محیط است (و برعکس). (به دو نوزاد از دو پدر و مادر زیستی متفاوت که مثلاً زوجی همزمان هر دو را به فرزندی پذیرفته‌اند، دوقلوی مجازی گویند).
اگر چنین راه‌های ساده‌ای برای آزمودن این پرسش وجود دارد پس چرا سر پاسخ به این پرسش کماکان اختلاف است؟ از علل این اختلاف‌نظر باید به وجود یافته‌های متعارض اشاره کرد. برخی داده‌ها ژنتیک را مؤثرتر نشان داده و برخی محیط را. اما چرا داده‌ها متعارض‌اند؟ علاوه بر علل شایعی که در تکرارناپذیری داده‌های علمی اشاره می‌شود، در اینجا می‌توان به علل دیگری هم اشاره کرد:
۱) ممکن است پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک در ثبت و تفسیر داده‌ها نقش داشته باشد. مثلاً به‌طور متعارف راست‌ها بر نقش ژن‌ها بیشتر انگشت می‌گذارند و چپ‌ها بر نقش محیط رشد.
۲) شرایط بدنی آزمودنی‌ها (مثلاً میزان قند یا اسید لاکتیک موجود در بدن، کم خوابی، خستگی و...) هنگام شرکت در آزمون هوش بر نوع پاسخ اثر دارند. البته به وضوح تأثیر تمامی این عوامل بر نمرات آزمون یکسان نیست اما ممکن است آن‌قدری تفاوت ایجاد کند که باعث شود نتایج متفاوتی در تکرار آزمون‌ها به‌دست آید یا نقش پیش‌فرض‌های نظری پژوهشگر در ثبت داده‌ها بیشتر شود.
۳) در برگزاری آزمون هوش دوقلوها با یک دوراهی نیز سروکار داریم. اگر یک پژوهشگر از هر دو فرد آزمون بگیرد سوگیری شخصی او مبنی بر اینکه هوش مهم‌تر است یا محیط بر ثبت داده‌ها اثر می‌گذارد. و اگر دو پژوهشگر متفاوت از هر کدام از دوقلوها آزمون بگیرند اختلاف در نمرات را می‌توان به اختلاف در نحوه بیان سؤالات توسط دو پژوهشگر ربط داد.
۴) نقدهای زیادی به آزمون‌های هوش رایج (و حتی خود مفهوم هوش) وارد است و بنابراین نوع آزمون هوش به کار گرفته نیز ممکن است در گزارش نهایی اثر داشته باشد.
اما به‌رغم این مشکلات روانشناسان چاره‌ای جز کنار آمدن با این کاستی‌ها ندارند. کار ایشان آن است که از کاستی‌ها بکاهند و نه آنکه در مواجهه با چنین نقدهایی یکسره پژوهش را رها کنند. علم به نحوی اصلاحی پیش می‌رود.
در پژوهشی جدید، در همین راستا، اولاً برای اولین‌بار دوقلوها را طی زمان‌های طولانی مقایسه کردند تا داده‌های موثق‌تری داشته باشند و ثانیاً برخی از جفت دوقلوها را یک پژوهشگر آزمود و برخی جفت‌ها را دو پژوهشگر متفاوت، تا از نقش پیش‌فرض‌های نظری پژوهشگران بکاهند به این امید که پیش‌فرض‌های متعارض همدیگر را تعدیل کنند. سه دسته دوقلو را در سه آزمایش طی زمان مقایسه کردند:
دسته نخست کودکان دوقلوی همسانی بودند که در خانواده‌های متفاوتی بزرگ می‌شدند. ابتدا همسانی هوشی کمتری ثبت شد اما با گذر زمان، به رغم تفاوت در تجربه‌های دوقلوها، نمرات بهره هوشی‌شان همگرایی پیدا کرد؛ نشانی از اهمیت بیشتر ژنتیک.
دسته دوم دوقلوهای همسان بزرگسالی بودند که جدا پرورش یافته بودند. همانند دسته کودکان، در این دسته نیز با گذر زمان همبستگی نمره هوش افزایش یافت؛ نشانی دیگر از اهمیت بیشتر ژنتیک.
دسته سوم دوقلوهای مجازی بودند. همبستگی نمرات هوش در این گروه ابتدا پایین بود: شاهدی دیگر بر اینکه ژنتیک مهم‌تر است و طی زمان با بزرگ‌تر شدن کودکان این همبستگی بیشتر کاهش یافت و این باز نشانی است از اینکه در درازمدت نقش ژنتیک در هوش بیشتر است.
نتیجه کلی پژوهش: نقش محیط در پیش‌بینی هوش، در سنین پایین بیشتر از بزرگسالی است، به عبارتی با افزایش سن نقش ژنتیک بیشتر می‌شود. نتایج این پژوهش بسیار خلاف شهود ماست، زیرا مطابق فهم عرفی، در گذر زمان نقش تجربه‌های زیسته باید بیش از نقش عوامل ژنتیکی باشد، اما مطابق این پژوهش اینطور نیست.
ناگفته پیداست طرفداران تأثیر بیشتر محیط نیز یافته‌های جدیدی رو خواهند کرد. به نمونه اخیر از آن اشاره کنیم:
دانش‌آموزان فقیر در حل مسائل ریاضی که در آنها از غذا و پول سخن گفته شده ضعیف‌تر عمل می‌کنند تا مسائلی که به این موضوعات اشاره ندارند. این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد فقر به راحتی می‌تواند بر نوع پاسخ به سؤالاتی که هوش کودک را ظاهراً به نحوی عینی و مستقل از شرایط می‌سنجند اثر بگذارد. چه بسا با افزودن عاملی مانند شرایط اقتصادی نتایج آزمون قبلی تکرار نشوند.

اطرافیان موفق عاملی مهم در رشد

منصوره اخوان در توییتی نوشت: اگر چه بشر از بالاتر بودن اطرافیانش به حسادت میفته، ولی یه جایی باید بفهمه که خواهر یا برادر، دوست، فامیل، همسایه، همکار، مدیر، کارمند و حتی همسر وقتی در جهاتی از ما بالاتر باشند به جای حسادت میشه در معاشرت با اونها خودت رو رشد بدی و اتفاقاً اطرافیان موفق‌تر برای ما بهترند!

خدایا! هرچه هستیم، حسین را خیلی دوست داریم

صفحه توییتری مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا(ره) بیانی از ایشان را به اشتراک گذاشت: بزرگان اهل سنت مانند ابن عساکر و ابن حجر مکی به سندهای معتبر نقل کرده‌اند که پیامبر(ص) دست به آسمان بلند کردند و فرمودند: «أحبّ الله من أحبّ حُسَینا؛ خدا دوست داشته باشد هر کس حسین را دوست دارد.» خدایا! ما هرچه هستیم، حسین را خیلی دوست داریم، خودت این محبت را در قلب ما بیشتر کن!

قدیمی‌ترین مبتلا به سندروم داون نشانه‌ای دیگر بر حس نوعدوستی نئاندرتال‌ها!

کانال تلگرامی «Modern Cogitation» نوشت: بقایای استخوان جمجمه کودک نئاندرتال نشان‌دهنده ابتلای او به سندروم داون و همچنین مراقبت اجتماعی در میان نئاندرتال‌هاست! بیش از ۱۴۶ هزار سال پیش، نئاندرتال‌ها برای مدتی کوتاه ساکن غار کووا نگرا در اسپانیا شدند و پرندگان و حیوانات دیگر را شکار کردند. انسان‌شناسانی که روی استخوان‌های به‌جامانده از آنها مطالعه می‌کردند، به مورد عجیبی برخوردند: بخشی از جمجمه که استخوان‌های گوش داخلی در آن فقط چند سانتی‌متر بود و به کودکی حدوداً شش ساله تعلق داشت. استخوان، ناهنجاری‌های کوچکی را نشان می‌داد که امروزه بیشتر در افراد مبتلا به سندروم داون دیده می‌شود. دانشمندان در مجله Sience Advances گزارش کردند این کودک احتمالاً دچار سندروم داون و همچنین ناشنوایی بود. به این ترتیب، کودک نئاندرتال قدیمی‌ترین مورد شناخته‌شده از سندروم داون به‌شمار می‌رود. اگر یافته‌ها تأیید شود، به شواهد موجود در این‌باره افزوده می‌شود که نئاندرتال‌ها از اعضای آسیب‌پذیر جامعه خود مراقبت می‌کردند. اسکن‌های با وضوح بالا از استخوان کوچک گوش داخلی، فضای مارپیچی را نشان می‌دهد که به‌طور قابل توجهی کوچک‌تر از استخوان گوش داخلی نئاندرتال‌های دیگر است. پژوهشگران می‌گویند این ناهنجاری همراه با سایر ساختارهای غیرعادی در گوش داخلی به وضوح نشان می‌دهد کودک مبتلا به سندروم داون بوده است. اگر ناهنجاری‌های استخوانی مشاهده‌شده در نئاندرتال‌ها به همان نتیجه‌ای منجر می‌شد که امروزه در انسان‌ها دیده می‌شود، توانایی کودک برای برقراری ارتباط با اعضای دیگر گروه محدود می‌شد و ممکن بود به علت مشکلات تعادل و سرگیجه، از محدودیت در راه‌رفتن نیز رنج ببرد. سایر علائم داون مانند دشواری تغذیه از شیر مادر نیز ممکن است خود را نشان داده باشند. در نتیجه، این واقعیت که کودکی با این شرایط تا شش سالگی زندگی کرده است، نشان می‌دهد نئاندرتال‌ها منابع و زمان بیشتری را صرف کمک به زنده ماندن او کرده بودند. اولین باری نیست که باستان‌شناسان شواهدی را پیدا می‌کنند که نشان می‌دهد نئاندرتال‌ها از افراد دارای نیازهای خاص مراقبت می‌کردند. یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها، مرد نئاندرتالی است که در غار شانه‌در در عراق امروزی دفن شده و در ۵۰ سالگی مرده بود. با توجه به اینکه وی از مشکل بینایی و شنوایی رنج می‌برد و قسمتی از یکی از دست‌هایش نیز قطع شده بود، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که او فقط با کمک سایر اعضای جامعه خود توانسته بود زنده بماند.

ای کاش عده‌ای موبایلشان را زمین بگذارند

فردین علیخواه در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: چند سال قبل مطلبی با عنوان «موبایلت را زمین بگذار» نوشتم. پس از آن با همین عنوان در جایی سخنرانی داشتم. من عده‌ای را خطاب قراردادم و گفتم ای کاش آنها موبایلشان را زمین بگذارند. این روزها انواع و اقسام ویدئوهای طنز اجتماعی سراسر اینستاگرام را به سیطره خود درآورده‌اند. تقریباً افرادی از هر گروه و از هر قشر اجتماعی دارند تلاش می‌کنند تا از طریق اینستاگرام برای خودشان کسی بشوند، دیده بشوند، توجهات را جلب کنند و درنهایت هم به احتمال قوی آگهی تبلیغاتی و تجاری بگیرند. به هر حال مسیر مشهور شدن این روزها هموار شده است. اینکه همه به شکلی بتوانند به این فناوری و امکان انتشار محتوا دسترسی داشته باشند اتفاق مثبتی است ولی جای نگرانی هم دارد. این فراگیری و همه‌جایی شدن انتشار ویدئو اگر بدون آموختن مهارت‌ها، ارزش‌ها و ملاحظات خاص وسایل ارتباط جمعی باشد بسیار می‌تواند خطرناک باشد. نوشیدن مشروب با فرزندان خردسال، فحش‌های رکیک در مقابل چشمان فرزندان برای خندانندن مخاطب، به نمایش گذاشتن اندام خصوصی فرزندان برای شوخی با آنها و مصرف تریاک توسط والدین آن‌هم در مقابل فرزندان از جمله تصاویری است که طی ماه‌های گذشته دیده‌ام و بسیار نگران شده‌ام. ای کاش عده‌ای موبایلشان را زمین بگذارند. اینستاگرام صرفاً یک صفحه شخصی نیست. اینستاگرام یک وسیله ارتباط جمعی است و به شکل بالقوه می‌تواند مخاطب عام داشته باشد. ویدئوی ما ممکن است از سوی هزاران نفر دیده شود و این اتفاق هم‌اکنون در حال وقوع است.

نگاهی به کتاب نخستین مرد اثر آلبر کامو

محمدعلی عبدالهی در کانال تلگرامی خود نوشت: رمان با مسافرت یک مرد و همسر در حال زایمانش به روستایی در الجزایر شروع می‌شود. با بیان جزئیات و توصیفاتی که بلافاصله شما را با آنها همراه و هم‌مسیر می‌کند: یک درشکه و بارانی که به نرمی در حال باریدن است و هوایی که رو به تاریکی می‌رود، فانوس‌های شیشه‌ای که قرار است مسیر را روشن کنند، اضطراب و التهاب زن و شوهرش و درشکه‌چی عربی که همراه آنهاست. در چند فصل همه چیز خوب پیش می‌رود، بیان سرمست کننده و همراه کننده جزئیات و توصیفات داستان و جابه‌جایی درست در زمان‌های مختلف که تصویر کلی خوبی از داستان به مخاطب می‌دهد. اما نبود نقطه عطف و گره داستانی باعث می‌شود از نیمه کتاب انتظار تمام شدنش را بکشی چون به نظر می‌رسد دیگر توصیف توانایی همراه کردن در این داستان طولانی را ندارند.
گره ذهنی من در انتخاب این کتاب، درک تصویر استعمار در شمال آفریقا بود که ظاهراً ربطی به دغدغه‌های نویسنده کتاب نداشت. کتاب از نگاه پسری فرانسوی الاصل به نام ژاک کورمری که در الجزایر متولد شده و پدرش را در کودکی در جنگ جهانی اول از دست داده روایت شده و می‌توان در آن رد اشارات قابل توجهی از استعمار را پیدا کرد: مثل نگاه کلی فرانسوی‌ها به عرب‌ها و مسلمانان، هویت بلاتکلیف مهاجران فرانسوی در الجزایر که از یک طرف خود را کاملاً فرانسوی نمی‌دانند و از طرف دیگر به عرب‌ها به چشم «دیگری» نگاه می‌کنند، اشاره به کوچ فرانسوی‌های اولیه به الجزایر و... که همه اینها از اشاراتی پراکنده و بی‌دنباله فراتر نمی‌رود و هیچ‌گاه به ارائه تصویر کلی نمی‌رسد. شما در این کتاب با آدم‌های فرانسوی مواجهید که در کنار عرب‌های بومی زندگی می‌کنند. عرب‌هایی که آن‌قدرها مهم نیستند که به بهانه‌ای حتی بخش کوتاهی از داستان به آنها و سبک زندگی‌شان بپردازد. اما در عوض با سگ دایی ارنست، میخ‌های کف کفش ژاک (شخصیت اصلی)، مسیر خانه تا مدرسه ژاک، گرمای تابستان الجزایر و ماجرای تمایل زودگذر مادر ژاک به دوست دایی ارنست، روزهای کسل کننده ژاک در مغازه آهنگری و... به خوبی آشنا خواهید شد. اساساً شاید استعمار یعنی همین ندیدن‌ها، نادیده گرفتن‌ها و کمتر انسان دانستن «دیگری»ها.

تصویر منتخب

آفرینش شگفت‌انگیز | پرنده‌های آبی، نر و پرنده‌های قهوه‌ای، ماده‌اند
| از صفحه توییتری «Sciencegirl»